

■ این روزها بحث ورود استارتاپ‌ها و شرکت‌های دانش بنیان به بورس داغ است و در این میان مخالفان و موافقانی نیز وجود دارد چرا باید این شرکت‌ها وارد بورس شوند؟

اول از همه در نظر داشته باشید نوع توسعه شرکت‌های دانش بنیان با استارتاپ‌ها متفاوت است، در تمام دنیا استارتاپ‌ها برای بقای خود وارد بورس می‌شوند. به زبان ساده، استارتاپ در زیر زمین خانه‌ها و از یک جمع خانوادگی سربرمی‌آورد و شکل می‌گیرد و چه بسا اولین بودجه را نیز همین خانواده‌ها تأمین کنند اما در نهایت توسعه استارتاپ‌ها به بورس ختم می‌شود کاری که اکثر استارتاپ‌های موفق دنیا همچون آمازون، اوبر و... طی کرده‌اند.

■ از چه زمانی تصمیم گرفته شد که استارتاپ‌ها و شرکت‌های دانش بنیان وارد بورس بشوند؟ حدود ۴ سال پیش این فرآیند آغاز شد و اولین و بزرگترین استارتاپی که به بورس ورود پیدا کرد استارتاپ «آپ» بود که بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان در تابلوی بورس، ارزش گذاری شده است.

■ در حال حاضر چه تعداد شرکت دانش بنیان و استارتاپ وارد بورس شده‌اند و تا پایان این دولت زمینه ورود چه تعداد شرکت دیگری به بورس فراهم خواهد شد؟ ۳۵ شرکت دانش بنیان و استارتاپ در تابلوی بورس قرار دارد که ۱۸۰ هزار میلیارد تومان ارزش گذاری شده است. پیش‌بینی ما این است که تا پایان این دولت، بیش از ۷۰ شرکت خواهیم داشت، البته ما در حال ترغیب شرکت‌ها برای ورود به بورس هستیم.

■ شرکت‌های استارتابی به دلیل ماهیت خود برای ورود به بورس با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند؟

اولین و مهم‌ترین مشکل، نحوه قیمت‌گذاری شرکت‌های استارتابی است، چون این شرکت‌ها برخلاف شرکت‌های دیگری که به بورس وارد می‌شوند زمین، ملک یا سوله ندارند. پس قیمت‌گذاری آنها نیاز به یک فرهنگ جدید دارد از طرف دیگر بسیاری از قوانین سنتی که داخل بورس وجود دارد به نحوه رشد و بلوغ این شرکت‌ها سازگاری ندارد. به هر حال با وجود این مشکلات ما در حال ترغیب شرکت‌ها، برای وارد شدن به بورس هستیم و از طرف دیگر به بورس برای تغییر نگاه فشار آوردیم و با تمامی این اقدامات امیدواریم بیش از ۷۰ شرکت تا پایان این دولت، به بورس ورود پیدا کنند.

■ آینده شرکت‌های دانش بنیانی که وارد بورس شده‌اند را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

قبل از جواب دادن به این سؤال باید بگویم غیر از شرکت‌های دانش بنیان و استارتاپ‌ها، ما صندوق‌های خطرپذیر هم در بورس داریم که در حال حاضر ۸ صندوق در بورس در حال پذیره‌نویسی هستند و فکر می‌کنم ۱۱ صندوق دیگر هم در حال وارد شدن به بورس هستند. این صندوق‌ها یک فرهنگ جدیدی را برای ورود شرکت‌های دانش بنیان به بورس ایجاد خواهند کرد. به هر حال ورود این شرکت‌ها به بورس یک فرهنگ جدید در خصوص نحوه سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند. در تمام دنیا نیز همین اتفاق در حال شکل‌گیری است. ما باید به سمتی برویم که ۴۰ درصد بازار سرمایه‌گذاری به سمت سرمایه‌گذاری خطرپذیر بروند به جای اینکه به سمت تأمین مالی از طریق گرفتن وام باشند. چرا که بورس، یک مکان خوبی است که شرکت‌ها می‌توانند از طریق آن برای توسعه خودشان تأمین مالی بشوند. حالا این تأمین مالی می‌تواند به دو صورت باشد یا از طرف صندوق‌های خطرپذیری که وارد

استارتاپ‌های بزرگ ما در حال خرید استارتاپ‌های کوچک هستند، چرا که یک استارتاپ کوچک برای توسعه و بقای خود قادر به گرفتن وام نیست اما استارتاپ بزرگ با سرمایه‌گذاری خطرپذیر می‌تواند شرکت‌های کوچک را جذب و به نوعی نوآوری را به سیستم خود تزریق کند. به هر حال به نظر من کسانی که مخالف ورود استارتاپ‌های بزرگ به بورس هستند هنوز مکانیسم اکوسیستم نوآوری را بدرستی نمی‌شناسند، چون منطقی‌ترین کار همین است که استارتاپ‌های بزرگ در بورس تخلیه بشوند و استارتاپ‌های کوچک نیز برای بقا توسط همین استارتاپ‌ها خریداری بشوند اتفاقی که در حال حاضر در اکوسیستم کشور در حال انجام است.

■ با حمایت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، سال گذشته از نسل چهارم «رویات انسان‌نمای سورنا» در دانشگاه تهران رونمایی شد و قرار بود اگر حمایت‌ها صورت بگیرد نسل پنجم این رویات نیز ساخته شود، ساخت این رویات‌ها با چه انگیزه‌ای صورت می‌گیرد و به زبان ساده این رویات‌ها قرار است چه کاری انجام دهند؟

پروژه رویات انسان نما «سورنا» یک پروژه مرز دانشی است. نباید انتظار داشته باشیم این رویات، وارد یک کار تجاری شود چرا که قرار است از طریق آن ریزش دانش در صنایع مختلف صورت بگیرد. در حال حاضر ما رویات‌سازهای فوق‌العاده‌ای در کشور داریم که در حوزه رویات‌های صنعتی مشغول به کار هستند و کم‌کم به سمت تکنولوژی‌هایی مثل هوش مصنوعی، تشخیص چهره و... روی آورده‌اند؛ یعنی دقیقاً استفاده از دانشی که چند سال پیش در رویات سورنا پیاده‌سازی شده بود، در مجموع باید گفت در تمام دنیا، این پروژه‌ها به طور سمبولیک در حال اجرا است و هدف از توسعه آنها نیز بحث فرهنگ‌سازی رویات و توسعه تکنولوژی است و در کل رویات‌ها، مرز دانشی هستند و هزار تکنولوژی از دل آنها برای توسعه دانش بیرون می‌آید.

■ بنا بر اعلام شما در سال گذشته با فعالیت شرکت‌های دانش بنیان بیش از ۳۰۰ هزار شغل در کشور ایجاد شد، این در حالی است که مخالفان دولت بر این اعتقاد هستند که دولت در زمینه اشتغالزایی بسیار ضعیف عمل کرده است؟

سال گذشته فروش شرکت‌های دانش بنیان ۱۲۰ هزار میلیارد تومان بود و اشتغال مستقیم آنها نیز بیش از ۳۰۰ هزار شغل، توجه داشته باشید ایجاد شغل غیرمستقیم آنها از این رقم بسیار بالاتر است. چرا که به عنوان نمونه به اسنپ نگاه کنید حدود ۱۵۰۰ نفر پرسنل دارد اما یک میلیون و ۴۰۰ هزار راننده در سراسر کشور در این شرکت مشغول به کار هستند؛ این یعنی اشتغال غیرمستقیم و اینکه شما این هنر را داشته باشید که به فردی که شغل ندارد در کمتر از ۱۰ دقیقه یک شغل بدهید از نگاه من، یک نوآوری بزرگ به حساب می‌آید. ما از این نمونه‌های موفق بسیار داریم. از طرفی دیگر در نظر داشته باشید پلتفرم‌های زیادی نیز ایجاد شدند و این شرکت‌ها را تقویت می‌کنند. مثلاً تاکسی‌های آنلاین اگر یک فین تک خوب پشت سر آنها نباشد امکان تراکنش برایشان مهیا نیست و از سوی دیگر روزانه، میلیاردها تراکنش بانکی داریم و اینها تنها از طریق فین تک‌ها در حال انجام است و اکثر بانک‌ها به عنوان یک بازیگر سنتی در اقتصاد مادر حال خرید فین تک هستند و تمامی این موارد نشان از ایجاد شغل مستقیم و غیرمستقیم از طریق این شرکت‌های جدید دارد.

■ با حضور وزیر ارتباطات در مجلس شاهد بودیم

ما منحصر بفردترین زیست بوم استارتابی منطقه را داریم. بسیاری از استارتاپ‌هایی که در حوزه آی سی تی فعال هستند در منطقه بی‌نظیر هستند. وقتی از فین تک‌ها صحبت می‌کنیم در همسایگی ما ترکیه، حتی فین تکی وجود ندارد که بخواهیم با فین تک‌های خودمان مقایسه کنیم

بورس شده‌اند یا از طریق ورود مستقیم خود شرکت به بورس، اتفاقی که در حال حاضر برای شرکت‌هایی که وارد بورس شده‌اند افتاده است و این شرکت‌ها خیلی سریع توانسته‌اند به بودجه خوبی برای توسعه خودشان دست پیدا کنند.

■ در حالی که بسیاری از فعالان حوزه فاوا ورود استارتاپ‌ها را به بورس یک اقدام مثبت تلقی می‌کنند کارشناسانی نیز اعتقاد دارند ورود برخی از این استارتاپ‌های شناخته شده به بورس و تأمین مالی مجدد آنها در دورانی که هیچ معیار اقتصادی برای ارزش گذاری کسب و کارها وجود ندارد، صرفاً منجر به تسلط جریانی خاص بر اکوسیستم و حذف اکثریت کسب و کارهای مستقل و از بین رفتن انگیزه‌های کارآفرینی می‌شود این دیدگاه را قبول دارید؟

روند توسعه استارتاپ‌ها به این صورت است که استارتاپ‌های بزرگ، باید استارتاپ‌های کوچک را بخرند. توجه داشته باشید استارتاپ وقتی بزرگ می‌شود درست است که به منابع مالی زیاد دست پیدا می‌کند اما یک چیزی را از دست می‌دهد و آن نوآوری است. نوآوری، قلب توسعه استارتاپ است و نوآوری در استارتاپ‌های بزرگ شکل نمی‌گیرد چرا که استارتاپ‌های بزرگ همیشه یک مسیر مشخص را طی می‌کنند و آن قدر جرم آنها سنگین است که نمی‌توانند برای یک هدف براحتی و خیلی سریع تغییر مسیر بدهند. به همین علت نوآوری از طریق شرکت‌های کوچک باید به این شرکت‌ها تزریق شود. یعنی هر چه استارتاپ‌های بزرگ، استارتاپ‌های کوچک را بتوانند خریداری و روی آنها سرمایه‌گذاری کنند یک مکانیسم برد-برد شکل می‌گیرد. همین روند یک اکوسیستم نوآوری را شکل می‌دهد اتفاقی که در حال حاضر در کشور در حال رخ دادن است. یعنی